

## کوبیسم

حجم‌گری، یا کوبیسم (به فرانسوی (Cubisme): یکی از سبک‌های هنری است.

کوبیست‌ها جهان مرئی را به طریقی بازنمایی نمی‌کردند که منطقی از اشیا در زمان و مکانی خاص تجسم یابد. آنان به این نتیجه رسیده بودند که نه فقط باید چیزها را همه‌جانبه دید، بلکه باید پوسته‌ظاهر را شکافت و به درون نگریست. نمایش واقعیت چند وجهی یک شیء مستلزم آن بود که از زوایای دید متعدد به طور همزمان به تصویر در آید، یعنی کل نمودهای ممکن شیء مجسم شود. ولی دستیابی به این کل عملاً غیر ممکن بود. بنابراین بیشترین کاری که هنرمند کوبیست می‌توانست انجام دهد، القای بخشی از بی‌نهایت امکاناتی بود که در دید او آشکار می‌شد. **روشنی که او به کار می‌برد تجزیه صور اشیاء به سطوح هندسی و ترکیب مجدد این سطوح در یک مجموعه به هم بافته بود.** بدین سان، هنرمند کوبیست داعیه واقع‌گرایی داشت، که بیشتر نوعی واقع‌گرایی مفهومی بود تا واقع‌گرایی بصری.

### هنرمندان

ژرژ براک  
پابلو پیکاسو  
خوان گریس

البته توجه کنید کوبیسم دارای ۳ مرحله بود و آثار کوبیسم درون زمان خیلی تغییر کردند. هر چند به طور خلاصه هدف اولیه سبک توجه به چند موضوع به صورت همزمان بوده مثلاً عکس هم نیمرخ را نشون بده هم تمام رخ و برای اینکار شکل را به اشکال هندسی تقسیم می‌کردند

مکتب کوبیسم به تحول تکنیکی و زیبایی شناسی اطلاق شده که بین سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ توسط پیکاسو، براک، خوان گری و لژه به ظهور پیوست.

ماتیس و درون نیز در شکل دادن به این نهضت که بر اکثر هنرمندان پیشروی سالهای قبل از جنگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸) تأثیر عمیق به جای گذارد، سهیم بودند. کوبیسم هم مانند امپرسیونیسم در وهله اول جز با خصومت و عدم درک مواجه نشد و نام گذاری آن به صورت استهزا آمیزی صورت گرفت.

به مناسبت اولین نمایشگاه براک، در گالری خوان ویلر منقد آن زمان لویی واکسل با استفاده از يك گفتار ماتیس، در مورد «کعب» سخن راند. (۱۹۰۸) چهار همان سال در همان روزنامه و مجدداً در مورد براک، او از غرابت های کوبیسم صحبت کرد. آفرینندگان کوبیسم جانب احتیاط را نگاه‌داشتند و کراراً وجود خود را به عنوان تئورسین انکار کردند. پیکاسو گفت: زمانی که ما نقاشی می‌کردیم فقط به بیان آنچه در درونمان بود می‌پرداختیم و هرگز قصد خلق کوبیسم را نداشتیم.

براک گفت: کوبیسم - یا بهتر، کوبیسم من - وسیله ای است که برای کار برد خاص خود خلق کرده ام با این هدف که نقاشی را در قلمروی استعدادم قرار دهم. نیروی حیات و باروری کوبیسم از جفت شدن این دو شخصیت استثنای روز می‌کند، که بدون چشم پوشی از شخصیت خویش با اشتیاق کار می‌کردند که بعدها گری و لژه به آنها گرویدند.

به طور کلی تاریخ تحول کوبیسم در سه دوره مشخص می‌گردد:

#### دوره یسزان (۱۹۰۹-۱۹۰۷) دوره ی تحلیلی (۱۹۱۲-۱۹۱۰)

دوره ی ترکیبی (۱۹۱۲-۱۹۱۴) با مجسمه های آفریقایی و هنر پرمیتو رایج و نمایشگاه سیر تکاملی آثار سورا در سالن مستقلین، و به ویژه نمایشگاه سیر تکاملی آثارسزان در سالن پاییز، محیط مساعدی برای رشد این نهضت آماده شد.

ماتیس و درون در آن زمان فوویسم را نظم بخشیده بودند و به ارگانیزه کردن سطح رنگی تصویر می‌پرداختند. در این هنگام، پیکاسو «دوشیزگان آونیون» را به پایان رساند. این تابلو از محور، به دو بخش تقسیم شده بود، قسمت راست بدون استفاده از سایه روشن و فقط به وسیله ی طراحی، به نحو کاملاً ساده ای شکل گرفته بود. و این آغاز کوبیسم به شمار می‌رفت.

او براك را ملاقات كرد و تكامل طبيعى براك در او شتابى را برانگيخت. پاييز آن سال گالري خوان ويلر در كوچه ي ويگنون گشايش يافت. تالارى كه بعدها خانه ي كوبيسم شد. گروه معروف Bateau Lavoir در سال ۱۹۰۸ در خانه ي شماره ۱۲ كوچه ي Ravignan در مون مارتر، جايي كه پيكاسو، ماكس زاكوب و خوان گري زندگى مى كردند تشكيل يافت.

آپولينر ، سالمون، راي نال گرت رود اشتاين ، لئو اشتاين نيز به اين گروه پيوستند. پيكاسو اين نهضت جديد زيبايى شناسى را درك كرد و براك به آن جنبه ي استنتاجى داد. اين موضوع را مى توان در منظره هاى پيكاسو در (۱۹۰۸) Oise و اسپانيا (۱۹۰۹) و نيز در منظره هاى براك در (۱۹۰۸۹) L'estaque و همچنين در La Roche Guyon و (۱۹۰۹) به راي العين مشاهده كرد .

براك از امپرسیونیسم و فوویسم نیرو گرفت و رنگهای خود را با روحیه ی سخت گیری که نسبت به فرم داشت کنترل کرد. پیکاسو، این طراح غریزی، هم بر آن بود که در کار خویش رنگها را معرفی کند. هر کدام از اینان در کار خود با توجه به کیفیتی که فاقد آن بودند برای دستیابی به راه حل های مشترك تلاش می کردند.

این دو، مشكل اساسى نقاشى را مطالعه مى كردند: نماى حجم رنگى در سطح صاف . سیر تاریخی کوبیسم راه های موفقیت آمیزی برای این مشكل كشف كرد، در نتیجه زبان پلاستیکی جدید و در عین حال غنایی و ادراکی ای به وجود آمد که بر گرایش به « صور ظاهری» که از دوره ی رنسانس تا آن زمان مشاهده می شد، نقطه ی پایان گذاشت. به عنوان واکنش در برابر امپرسیونیسم و بی قیدی بصری آن، پیکاسو و براك تمام ظواهر تصادفی و اتفاقات جوی را از دنیای خود دور ریختند. آنها سعی می کردند خواص دائمی اشیاء و ثبات آنها را در يك فضای بسته، بدون پرسپکتیو یا نور، در شفافیتی هندسی که به سزان ملهم شده بود تشریح کنند. از این رو موضوعات مؤثر و محدودی را که به اشیای بسیار ساده خلاصه می شد انتخاب می کردند: درختان، خانه ها، ظروف میوه، بطری ها، میزهای كوچك و آلات موسیقی. این اشیاء مى توانستند به فرمهای هندسی مبدل شوند و به سادگی توسط بیننده شناخته گردند. این نقاشان پیش از آن که در صدد اکتشافات دنیا باشند، با چند نشانه ی مشخص قصد خلق زبانی را داشتند که پر معنی بودن آن را احیای کند. لیکن در این دوره ی تجربی، با وجود کوشش هایی که در زمینه ی تناقض شیء و رنگ و نیم رنگ و حجم انجام گردید، فقط «تکرنگی» و یا نوعی تقلید از مجسمه سازی، حاصل آمد.

در سال ۱۹۱۰ براك به دنبال پیکره ها و طبیعت بیجان هاش منظره هایی را عرضه كرد. به گفته ی خودش او از فضای بصری به فضای قابل لمس رسید. پیکاسو گروه Bateau Lavoir را به قصد بلوار Clichy و مون مارتر (جایی که او سرها و تك چهره هاى خود را نقاشى كرد) ترك گفت .

#### دوره ی دوم کوبیسم به عنوان دوره ی تحلیلی به توسط خوان گری تعیین شد.

زیرا تجزیه ی روتیزاید فرم با همزمانی و مقارنه ی آن مشخص می گردد، به همان نسبتی که وجوه مختلف يك شیء در خود وجود دارد یا در افکار ما. بدین ترتیب گویی شیئی شکسته و پخش شده و از درون باز گردیده است. این وابستگی به رالیسم کامل، کوبیسم را از انواع جنبش های آبستره ی مشتق از آن متمایز می سازد و آن را گرایشهای تزئینی فوویسم جدا می کند .

مسئله ی «همزمانی» همواره نظر هنرمندانی را به خود معطوف کرده است. در دوره ی تقلید بصری (از وان ايك (۱۱) تا مونه) کسی نتوانست به وسیله ای بهتر از نوعی انعکاس آئینه مانند دست یابد، چرا که نقاشان قرن چهاردهم و یا پانزدهم از همزمانی فضایی در پیوستگی های پی در پی استفاده می کردند و نباید آن را با اصول متشکل و ساختی کوبیسم که از سطوح پهن و گسترده ی روی هم و حجم های شکسته به دست می آید قیاس کرد. این دوره ی تجربه ی ترکیبی و سیستماتیک، خالی از خطر کیمیاگرایی نبود. براك و پیکاسو با استفاده از \* Papier Collés (۱۲) و مصالح حقیقی (نظیر شن، شیشه، روزنامه، پارچه) و با قرار دادن آنها در متن بوم، چاره ای اندیشیدند که انگیزه ای برای ادراک می شد .

در طی این دوره به میزان قابل توجهی راجع به کوبیسم مطلب چاپ شد. از جمله کتاب Du cubism که در ۱۹۱۲ انتشار یافت. در کوبیسم نیز انشعاب هایی با گرایش های مختلف صورت گرفت که دو مورد اصلی آن اورفیسم و Section Dor بود که نهضتهایی مقدم بر گرایش های اولیه آبستراکسیون محسوب می شد .

در سال ۱۹۱۳ آپولينر کتاب نقاشان کوبیسم را انتشار داد و در این کتاب از نقاشی ادراکی صحبت كرد. این دوره بسیار ناهنگام و زودرس بود چرا که آن را مى توان به آخرین دوره ی کوبیسم - ترکیبی - که از ۱۹۱۳ با شرکت فعالانه ی گری و لژه شروع می شد متصل كرد. هر چند علاقه و توجه لژه به کوبیسم به ۱۹۱۰ مربوط می شود، ولی حس مونومانتال و رغبت او به اشیاء حسیم مانع از راه یافتن وی به دوره ی ترکیبی شد. خوان گری در ۱۹۱۱ طبق روش خود به تجزیه و خرد کردن اشیاء پرداخت لیکن در تابستان ۱۹۱۳، طی اقامت در کرت در جوار براك و پیکاسو، طرز عمل خود را نقض كرد. او این تغییر روش را چنین توجیه می کند: «از يك استوانه يك بطری مى سازم». کثرت فیگوراسیون يك شیء روی بوم فهم آن را مشكل می گرداند و ریتم آن را حتی اگر در حالت فیگوراتیو بماند از

شکل می اندازد. کوبیسم ترکیبی با ناتورالیسم و ارایه ی سنتی که از رنسانس به بعد تعقیب می شد کاملاً قطع رابطه کرد .

در شیوه ای جدید قسمت اعظم آن جریانهای تقلیدی به طور کامل دور ریخته شد و ابداع «نشانه» های پلاستیک که با استعاره های شعری قابل قیاس است به کار آمد. این نشانه ها بیشتر واقعیتی غنایی را می آفریند تا خیط بصر را. سطوح پهن تر و نرم تر وسیع شدند، رنگهای طیفی ظاهر گردیدند، فرم و رنگ محلی بی اینکه اساس معماری تصویر را در هم ریزند، توانستند سازگارانۀ اتحاد حاصل کنند. کوبیسم در این مرحله از کیفیت غیر عملی و تجربی عدول کرد و مبدل به نوعی فلسفه ی زیبایی شناسی ادراکی شد و نظم عینی عالم را نه در ظاهر بلکه در ذات خویش عرضه کرد. گرایش شدید به عینیت (اهمیتی که با روانکاوی و جامعه شناسی آشکار شده بود) در اوایل قرن بیستم، همان نقش کشش به ذهنیت در دوره ی رمانتیسم را بازی می کرد. بدین ترتیب درست مقارن با تحول علم و تفکر معاصر، زبان پلاستیکی جدیدی به وجود آمد. این زبان هر چند خشک بود ولی خشکی آن بدون دریند کردن «خیز فردی» موجبات پیشرفت را فراهم می آورد. جنگ ۱۹۱۴ موجب پراکندگی آفرینندگان کوبیسم شد، هر یک به دنبال سرنوشت هنری خود سیر طریق کردند ولی سرافرازی گروهی آن سالهای قهرمانی (۱۹۰۷-۱۹۱۴) از بین نخواهد رفت.

**نمونه ای از نقاشی های کوبیسم از آثار پیکاسو:**





نمونه ای از نقاشی های کوبیسم از آثار جان گریس:











